

نادر ثانی:

**در جنگ دو رژیم ضدخلقی و وابسته جمهوری اسلامی ایران و دولت
صهیونیستی اسرائیل توده‌های مردمی بازنده‌اند.**

یکشنبه ۲۵ خردادماه ۱۴۰۴



در سحرگاه روز جمعه ۲۳ خردادماه ۱۴۰۴ نیروهای نظامی رژیم صهیونیستی اسرائیل حمله گسترده‌ای به ایران را آغاز کردند؛ حمله‌ای که آغازگر جنگی بین دو کشور که فاصله‌ای بیش از ۱۲۰۰ کیلومتر با یکدیگر دارند شد. جنگی که بدون شک باید محکوم شود. جنگی در دنیای پُر آشوب امروز میان دو رژیم که هر یک در راه برآوردن نیازهای سرمایه‌داری جهانی به شیوه خود، زندگی و سرنوشت توده‌های مردمی را دستخوش سیاست‌های ضدخلقی، توسعه‌طلبانه و ایدئولوژی‌های افراطی خود کرده‌اند.

حکومت جمهوری اسلامی ایران: سرکوب توده‌های ستمدیده

در ایران، حکومتی بر سر کار است که بیش از ۴۶ سال است که در زیر نقاب مذهبی و سردادن دروغین شعارهای مبارزه با امپریالیسم و دفاع از مستضعفین، اما در واقعیت و در عمل با سرکوب داخلی، ترور داخلی و خارجی، گسترش

اختناق و سیاست‌های منطقه‌ای تنش‌زا، کشور را به سمت قهقرا می‌برد. در خلال تمامی عمر ننگین جمهوری اسلامی هر صدای مخالف به شدت سرکوب شده، آزادی‌های فردی و اجتماعی به شدت محدود گردیده، و فعالان کارگری، سیاسی، مدنی، زنان، جوانان، روزنامه‌نگاران و دگراندیشان با زندان و شکنجه و کشتار مواجه بوده‌اند. کشتارهای گسترده دهه ۱۳۶۰ و کشتار اعتراضات توده‌ای در سالهای ۱۳۸۸، دی ۱۳۹۶، آبان ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱ تنها چند نمونه از جنایات این رژیم وابسته به امپریالیسم است. فساد سیستماتیک در تار و پود حکومت ریشه دوانده و ثروت ملی به جای صرف رفاه مردم شدن، صرف حفظ قدرت به هر بهایی، پیشبرد سیاستهای امپریالیسم در منطقه و برنامه‌های نظامی می‌شود. مردم ایران، با وجود داشتن ثروت طبیعی بسیار در سراسر کشور، فرهنگی غنی و تمدنی دیرینه، تحت فشاری بی‌امان زندگی می‌کنند و آینده‌ای مبهم در پیش روی خود می‌بینند. بخش بزرگی از جمعیت کشور در زیر خط فقر زندگی می‌کنند، هزاران نفر به وسیله رژیم به قتل رسیده و میلیون‌ها نفر ناچار به مهاجرت و زندگی در تبعید شده‌اند.

حکومت اسرائیل: اشغال و آپارتاید، نقض حقوق بشر

در سوی دیگر، حکومت اسرائیل با تاریخ سراسر ننگین ۷۷ ساله خود، سیاست‌های اشغالگرانه خود در قبال فلسطینیان، نقض مستمر حقوق بشر و ساخت و ساز شهرک‌های غیرقانونی، به بحران دائمی در منطقه دامن زده است. این رژیم که مدعی دموکراسی در خاورمیانه است، در عمل با اعمال تبعیض سیستماتیک علیه فلسطینیان، سیاست‌های آپارتایدی را به اجرا می‌گذارد. بمباران‌های مداوم نوار غزه، محاصره اقتصادی و کشتار غیرنظامیان، استفاده از گرسنگی به مثابه یک سلاح جنگی جنایت‌هایی است که هرگز از حافظه تاریخ پاک نخواهد شد. تنها در ۲۰ ماه اخیر بیش از ۵۰ هزار از توده‌های ستمدیده غزه در حملات بی‌رحمانه و وحشیانه اخیر اسرائیل جان خود را از دست داده‌اند. بهانه "امنیت اسرائیل"، به وسیله ای جهت مرگ، آوارگی، گرسنگی ناامنی و رنج گسترده میلیون‌ها فلسطینی بدل شده است. دولتی که در ۲۰ ماه گذشته حدود ۲۰ هزار کودک را به قتل رسانده است.

این دو رژیم، با وجود تفاوت‌های ظاهری، در یک نکته اساسی مشترک هستند: هر دو از منطق قدرت و سرکوب برای حفظ موجودیت خود استفاده می‌کنند و هر دو حقوق بنیادین انسانی را زیر پا می‌گذارند. و درست از این‌رو باید به این

سیاست‌های ویرانگر "نه" بگوییم. نه به حکومتی که آزادی را از مردمش می‌گیرد و آنان را به خاک سیاه می‌نشاند. نه به حکومتی که بر اشغال و ظلم بنا شده و زندگی میلیون‌ها انسان را تباه می‌کند.

بهانه "خطر دستیابی ایران به سلاح اتمی"

بهانه اسرائیل برای حمله خود به ایران "خطر دستیابی ایران به سلاح اتمی" است و جالب آنکه خود اسرائیل به همراه ایالات متحده آمریکا، روسیه، انگلستان، فرانسه، چین، هندوستان، پاکستان و کره شمالی یکی از ۹ کشوری است که دارای سلاح اتمی است و همسان سه کشور آخر از امضای هر گونه قرارداد جهانی در مورد محدودیت گسترش سلاح‌های اتمی سر باز زده است. اسرائیل هرگز رسماً داشتن سلاح‌های هسته‌ای را تأیید نکرده است، اما اطلاعات درز کرده نشان می‌دهد که این کشور اولین توانایی سلاح‌های هسته‌ای خود را بین سال‌های ۱۹۶۶ و ۱۹۶۷ (۵۸ سال پیش) توسعه داده است. اطلاعات مربوط به برنامه سلاح‌های هسته‌ای اسرائیل توسط فیزیکدان هسته‌ای سابق، مردخای وانونو، در سال ۱۹۸۶ به طور عمومی فاش شد. پس از افشای این اطلاعات، وانونو در عملیاتی تروریستی توسط سازمان اطلاعاتی اسرائیل، **موساد**، در رم (ایتالیا) ربوده شد و به طور مخفیانه به اسرائیل بازگردانده شد. در اسرائیل، او به اتهام خیانت و جاسوسی در یک دادگاه پشت درهای بسته محاکمه و به ۱۸ سال زندان محکوم شد. او بیش از یازده سال از محکومیت خود را در سلول انفرادی گذراند، که این موضوع توسط سازمان‌های حقوق بشری مانند عفو بین‌الملل مورد انتقاد شدید قرار گرفت. عفو بین‌الملل او را "زندانی عقیدتی" نامید. وانونو در آوریل سال ۲۰۰۴ پس از گذراندن کامل محکومیت خود از زندان آزاد شد. با این حال پس از آزادی نیز دولت اسرائیل محدودیت‌های شدیدی را بر او اعمال کرده است.

واقعیاتی پیرامون جنگ جاری

جنگی که بین دو رژیم ضدخلفی اسلامی ایران و صهیونیستی اسرائیل در جریان است به خوبی نشانگر چند واقعیت است:

- رژیم اشغالگر و ضدمردمی اسرائیل توانسته است با کمک دستگاه‌های اطلاعاتی خود و رژیم‌های حامی آن نفوذ بسیار در ارگان‌های گوناگون رژیم

ضدخلقی جمهوری اسلامی پیدا کرده و با استفاده از این نفوذ ضربات اساسی به برخی از مهره‌های این رژیم بزند.

- هر دو رژیم با استفاده از رسانه‌هایی که در اختیار دارند و با هدف فریب افکار عمومی اطلاعات نادرست و گمراه‌کننده در اختیار همگان می‌گذارند. در این میان توجه به اطلاعاتی که آنها پخش می‌کنند جهت تشخیص سره از ناسره ضروری‌ست.

- رژیم اشغالگر و آپارتاید اسرائیل از فرصتی که به دست آورده برای سرپوش گذاشتن بر آنچه که در فلسطین انجام داده استفاده می‌کند. رسوایی حملات وحشیانه رژیم صهیونیستی به غزه و استفاده از گرسنگی توده‌های فلسطینی به مثابه یک اسلحه، در هفته‌های اخیر افکار عمومی جهانی را علیه اسرائیل بسیج کرده بود و اکنون اسرائیل فرصتی یافته است تا به کشتار خود در پناه یک فراموشی رسانه‌ای ادامه دهد.

- بنیامین نتانیاهو، این جنایتکار جنگی، ضمن پیشبرد خط اربابان امپریالیست خود، برای حفظ منافع فردی خود و دولت ماورای راست افراطی خود خواهان باز کردن میدان نبردی تازه است تا بدینگونه خود و دولتش را برای مدتی از هجوم آرای مخالف در اسرائیل خلاصی بخشد. همزمان چنین جنگی می‌تواند موهبتی برای جنایتکاران حاکم در جمهوری اسلامی که می‌دانند نمی‌توانند جلوی موج اعتراضات توده‌ای در داخل کشور را بگیرند باشد.

- توده‌های مردم ایران تا آن حد از رژیم مسلط بر کشور نفرت دارند که برخی از آنها با پذیرفتن تز به نهایت ارتجاعی "دشمن دشمن من دوست من است" از حمله رژیم صهیونیستی به ایران اظهار رضایت کنند.

در خارج از کشور نیز شاهد بروز چنین حمایتی از جانب نیروهای ارتجاعی و به ویژه هواداران سلطنت هستیم اما این حمایتها به دلیل مخالفت پایه‌ای با رژیم جمهوری اسلامی نیست، بلکه مسئله آن است که اینان به هر بهایی در تلاش اند تا به جایگاه قدرت‌برسند تا بتوانند ماموریت خود را به عنوان سگ زنجیری دیگری به عمل درآورند.

گروه دیگری نیز - درست مانند جنگ بین دو دولت ضدخلق ایران و عراق - با آوردن بهانه‌هایی مانند "دفاع از مام میهن" بار دیگر به دفاع و پشتیبانی از جمهوری ضدخلقی اسلامی پرداخته‌اند.

آنچه که مسلم است آن است که در جنگ قدرت دو رژیم ضدخلقی بخشی از توده‌های مردمی هم در ایران و هم در اسرائیل کشته می‌شوند. درست به همانگونه که تمامی ایرانیان پشتیبان رژیم حاکم نیستند؛ در اسرائیل نیز بسیاری از شهروندان (هرچند که کمتر) حامی دولت تروریستی حاکم نمی‌باشند و در این میان جان خود را از دست می‌دهند.

سیاست‌های جنگی امپریالیستی که در شرایط امروز به تشدید تنش‌های نظامی بین دو رژیم ضدخلقی اسرائیل و جمهوری اسلامی منجر شده است نتیجه‌ای جز مرگ و نابودی و گرسنگی و تورم و گرانی بیشتر برای کارگران و زحمتکشان ما و منطقه در بر نداشته و باید محکوم گردد و درست از این‌رو باید بر نابودی رژیم‌های ضدخلقی اسرائیل و جمهوری اسلامی و حامیان امپریالیست آنها به دست توده‌ها تاکید نمود. تجربه نشان داد که برای رسیدن به آزادی نمی‌توان به دخالت قدرت‌های خارجی دل بست بلکه باید بر اتحاد و اراده توده‌های ستمدیده متکی شد.

جنگ بین دو رژیم وابسته جمهوری اسلامی و صهیونیستی اسرائیل جنگی ضدخلقی است.

نابود باد صهیونیسم و بنیادگرایی اسلامی دو چماق امپریالیسم در منطقه. نابود باد امپریالیسم و سگهای زنجیری آن. درود بر توده‌هایی که در این و آن گوشه جهان برای کسب آزادی می‌رزمند. درود بر همبستگی بین‌المللی کارگران و زحمتکشان.